یادداشت

سرهنگ مهدی شکیب

کلاهبرداری تلگرامی با ادعای جمع آوری کمک‌های مردمی برای خیریه

این روزها با ورود کسب و کارهای اینترنتی به شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های تلفن همراه می‌توان گفت برخی از سودجویان سایبری مجبور شده‌اند، از فضای واقعی به سمت شبکه‌های اجتماعی کوچ کنند. کوچی که حجم جرائم صورت گرفته در این شبکه‌ها را افزایش داده و شاهد وقوع جرائم مالی در این بستر هستیم. این افراد از هر راه و روشی برای کلاهبرداری از هموطنان استفاده کرده و تنها به کسب منافع مالی خود فکر می‌کنند.

یکی از مواردی که به‌تازگی مورد سوءاستفاده این افراد قرار گرفته، طراحی کانال‌ها یا اپلیکیشن‌های جعلی با موضوع کمک‌های مردمی و خیریه می‌باشد که متأسفانه با ایجاد این برنامه‌ها و تبلیغ آن در سطح گسترده مبالغ بسیار زیادی کلاهبرداری شده است. این افراد این اپلیکیشن‌ها را با نام مؤسسات فعال در این زمینه ایجاد کرده و به جذب مخاطب می‌پردازند.

افراد سودجو با سوءاستفاده از احساسات نوع دوستانه هموطنان، در مناسبت‌های مختلف، سعی می‌کنند با راه‌اندازی کانال‌های جعلی تلگرامی و برانگیختن احساسات هموطنان، آنها را ترغیب به بازدید از کانال یا گروه مربوطه کرده تا بتوانند کمک‌های مردمی را از شماره حساب اعلامی دریافت کنند.

این افراد با جعل کردن نسخه‌های اصلی و تبلیغ آن در کانال‌ها و گروه‌های مختلف اقدام به ارائه لینک اپلیکیشن می‌کنند. لینکی که دارای تفاوتی جزئی نسبت به لینک اصلی است و در نگاه اول تفاوت چشمگیری قابل مشاهده نخواهد بود.

این شگرد فیشینگ است که در این روش برنامه‌های اصلی و جعلی بسیار شبیه و یکسان بوده و فقط در آدرس دارای تفاوت هستند، بنابراین بسیار مهم است که کاربران فضای مجازی قبل از کلیک کردن روی لینک‌های ارائه شده نسبت به URL کمی حساس‌تر و دقیق باشند.

برخی از هموطنان تعداد اعضای بالا را معیاری برای اصل بودن کانال یا گروه می‌دانند و از نظر آنان، هر کانال یا گروهی که دارای اعضای بالا باشد دارای اعتبار و اصالت است. اما باید به این نکته اشاره کنیم که همیشه اینگونه نیست برخی از افراد با خرید فالوور یا انتخاب نامی مشابه با برندهای معروف اقدام به جذب عضو کرده و در ادامه به دنبال سوءاستفاده هستند.

به تازگی کانالی جعلی با اعضای بیش از ۱۳۰هزار نفر در شبکه اجتماعی تلگرام، شناسایی شد که اقدام به دریافت کمک‌های مردمی و خیریه و با نام یکی از مؤسسات معروف در این زمینه می‌نمود، اما در واقع از هموطنان کلاهبرداری می‌کرد. این مورد نمونه‌ای از یک کانال مجرمانه با تعداد اعضای بالا است.

مهمترین نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که کلاهبرداران سایبری با استفاده از شیوه‌های مهندسی اجتماعی به صورت تلفنی، پیامکی یا بارگذاری محتوای جذاب در کانال‌ها و گروه‌های مختلف، سعی دارند اعتماد کاربران را به خود جلب کرده و در ادامه از آنان کلاهبرداری کنند. بنابراین هموطنان عزیز دقت داشته باشند در مواجهه با تبلیغات و آگهی‌های جذاب و وسوسه انگیز، کمی حساس‌تر بوده و با برقراری تماس تلفنی یا مراجعه به سایت اصلی نسبت به صحت آن اطمینان حاصل کرده و با دقت بیشتری در این فضا فعالیت کنند.

هموطنان عزیز جهت کسب اطلاعات بیشتر و اطلاع از نکات آموزشی و هشداری می‌توانند با مراجعه به سایت پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir بخش آموزش موارد مورد نیاز خود را دریافت کنند.

***رئیس اداره پیشگیری از جرائم سایبری پلیس فتا**

ناتوانی زن زندانی از پرداخت دیه

زنی که با گمان مهدورالدم‌بودن شوهرش وی را به قتل رسانده بود پس از محکومیت به پرداخت دیه و حبس مدعی است که توان پرداخت دیه را ندارد.

به گزارش خبرنگار ما، چهارم مردادسال ۸۸ مأموران پلیس از قتل مرد ۲۶ ساله به نام پرویز در خانه‌اش در شهرری باخبر و راهی محل شدند. همسر مقتول که در محل حضور داشت در حالیکه سراسیمه و پریشان بود با گریه به مأموران گفت: «خودم قاتل شوهرم هستم. او مهدورالدم بود برای همین وی را به قتل رساندم.»

باانتقال جسد به پزشکی قانونی زن ۱۸ ساله به نام عشرت به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او در جواب به مأموران گفت: «سال اول راهنمایی بودم که برادرم مرا آزار داد. از ترس به کسی حرفی نزدم به همین دلیل تصمیم گرفتم از روستایمان فرار کنم و به تهران بیایم. در تهران کسی را نداشتم و پولی هم نداشتم تا به مسافرخانه بروم به همین دلیل در پارک با چند دختر هم سن و سال خودم آشنا شدم و با آنها شبها را در پارک می‌گذراندیم. چند شبی گذشت تا اینکه روزی در پارک با پرویز آشنا شدم. ماجرای زندگی‌ام را برایش تعریف کردم او با شنیدن صحبت‌هایم دلش برایم سوخت و قول داد مرا کمک کند. به نظر آدم خوبی می‌آمد و من هم به خاطر تنهایی‌هایم مجبور شدم به او اعتماد کنم و شش ماه بعد از آشنایی به عقد موقت او درآمدم.» متهم در ادامه گفت: «پرویز گفته بود قبلاً معتاد بوده و حالا مواد را کنار گذاشته است، اما وقتی زندگی‌ام را با او شروع کردم متوجه شدم او به من دروغ گفته است. پرویز به کراک اعتیاد داشت و دوستانش را برای مصرف مواد به خانه دعوت می‌کرد. وقتی دوستانش به خانه‌مان می‌آمدند او مرا مجبور می‌کرد تا دیر وقت در خیابان بمانم. این گذشت تا اینکه پرویز شبی مرا برای تفریح به باغی در لواسان برد. وقتی وارد باغ شدیم او به بهانه خرید آنجا را ترک کرد. همان موقع سه مرد جوان وارد باغ شدند و...

این بود که اختلاف من و پرویز شروع شد. من که از این وضعیت خسته شده بودم به منزل مادرم رفتم و چند روزی آنجا ماندم اما شوهرم دنبالم آمد و تهدید کرد اگر به تهران برنگردم فیلم سیاهی از من دارد که به مادرم نشان می‌دهد و آبرویم را می‌برد. از آنجائیکه مادرم بیماری قلبی داشت سکوت کردم و همراه شوهرم به تهران برگشتم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «پرویز برای پول مواد از من سوءاستفاده می‌کرد به همین خاطر از زندگی با او خسته شده بودم. شبی که پرویز اتانول خورده و خوابیده بود با چاقو دو ضربه به سینه‌اش زدم اما ضربه‌ها کشنده بود و او فوت کرد.»

با اقرارهای متهم، پرونده کامل و به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه محاکمه اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم بار دیگر ماجرا را شرح داد و در آخرین دفاعش گفت: «فکر می‌کردم مقتول به خاطر کارهایش مهدورالدم است به همین دلیل او را کشتم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد و با توجه به مدارک موجود در پرونده، متهم را از قصاص تبرئه کرد و او را به پرداخت دیه و هشت سال حبس محکوم کرد. این حکم در شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور تأیید شد اما متهم به دلیل عدم توانایی پرداخت دیه با نوشتن نامه‌ای درخواست اعسار - ناتوانی از پرداخت دیه - را مطرح کرد.

به این ترتیب با گذشت ۹ سال از این حادثه متهم روز گذشته بار دیگر در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی پای میز محاکمه قرار گرفت و گفت: «از همان دوران نوجوانی زندگی سیاهی داشتم و تنها هستم حتی در این چند سالی که زندان بودم هیچ کسی به ملاقاتم نیامد. از طرفی درآمد و سرمایه‌ای ندارم که پول دیه را یکجا پرداخت کنم از هیئت قضایی می‌خواهم با درخواست اعسار موافقت کنند تا بعد از آزادی کار کنم و دیه را به صورت اقساط بپردازم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

بازداشت ۸۷۱ تبهکار در اجرای طرح رعد ۱۰

گزارش
محبوبه قربانی

رئیس پلیس پایتخت از دستگیری ۸۷۱ نفر از تبهکاران پایتخت در جریان اجرای طرح رعد۱۰ خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین رحیمی در حاشیه اجرای طرح در پلیس پیشگیری تهران در جمع خبرنگاران حاضر شد و گفت: «دهمین مرحله از طرح رعد در ۴۸ساعت گذشته با بهره‌گیری از تمام توان کلانتری‌ها و پلیس پیشگیری انجام شد. در این طرح واحدهای تجسس پلیس مبارزه با مواد مخدر و کلانتری‌ها با تمام نیرو ۳۲۱ مخفیگاه سارقان، مالخران، قاچاقچیان مواد مخدر تحت کنترل و بازدید قرار گرفت که در نهایت ۵۹۴ نفر سارق، مالخر و ۲۷۷ خرده فروش موادمخدر که شامل ۷۷ باند می‌شدند در این طرح دستگیر شدند.» سردار رحیمی با بیان اینکه در این طرح در مجموع ۲۰۷ خودرو، موتورسیکلت و دوچرخه کشف و ضبط شده تصریح کرد: «اقلام مکشوفه در طرح رعد ۱۰ بالغ بر ۲۳۷۱ قلم بود که شامل ۳۲۱ دستگاه تلفن همراه، ۴۶۳ضبط و پخش خودرو، ۱۹۸ باند خودرو، ۱۰۱ باتری خودرو، ۱۰۰ حلقه لاستیک و ۱۰۸۹قلم سایر اقلام سرقتی دیگر بود.»

رئیس پلیس تهران بزرگ با اشاره به اینکه بیشتر سارقان دستگیر شده با سابقه بودند، گفت: «این ۷۷ باند شامل هشت‌باند سارق منزل، چهارباند سارق مغازه، پنج‌باند سارق خودرو، ۲۰باند سارق لوازم داخل خودرو، پنج‌باند قاچاقچی، ۱۵ باند سارق اماکن خصوصی، ۱۸ باند فروش مواد مخدر، هفت‌باند سارق کش‌رو و فروشنده مشروبات الکلی بود.»

■ دستگیری باند جعل اسناد

سردار رحیمی همچنین در اجرای این طرح از دستگیری یک باند جعل اسناد و مدارک نیز خبر داد و گفت: «افراد این باند که شامل شش‌نفر بودند با ظرافت و دقت خاصی اسناد زمین، مجوز آزادی از زندان و دیگر اسناد دولتی را جعل می‌کردند و در توزیع گسترده مشروبات الکلی نیز نقش داشتند.»

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با اشاره به برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر در این طرح گفت: «در این طرح ۲۷۷ نفر با موضوع قاچاق مواد مخدر دستگیر شدند همچنین در بخش کالای قاچاق بالغ بر ۶۱هزار و ۷۶۴ نوع کالای قاچاق شامل داروی غیرمجاز، پارچه، مشروبات الکلی، لوازم یدکی خودرو، لوازم پزشکی، ورزشی و دخانیات نیز کشف و ضبط شد.»

وی با کشف و ضبط ۱۱هزار و ۵۰۹ قطعه سی‌دی مبتذل و مستهجن تصریح کرد: «در این عملیات همچنین هفت‌قبضه سلاح جنگی، سه‌قبضه سلاح شکاری و ۵۸ قبضه سلاح سرد کشف و ضبط شد همچنین ارزش ریالی اموال کشف شده بالغ بر ۵میلیارد تومان بود.»

■ تلاش پلیس برای بازگرداندن اموال کشف شده به مالباختگان

سردار رحیمی در پاسخ به این سؤال که اموال کشف شده چگونه به مال‌باختگان عودت داده می‌شود، گفت: «بخشی از اموال مکشوفه به وسیله شناسایی سارق توسط مال‌باخته به او عودت داده می‌شود بخش دیگر نیز از طریق اعتراف سارق به مالباختگان اما بخش دیگر این اموال در گنجینه پلیس آگاهی مرکز نگهداری می‌شود و مال‌باختگان می‌توانند با مراجعه به آنجا اموال خود را باز پس گیرند. تمام تلاش ما این است که اموال مردم به آنها عودت داده شود.»

گفت‌وگو با متهمان

من همه فن حریف بودم!

وقتی از دستگیری باند جعل اسناد باخبر و پیگیر شدم تا با متهمان باند گفت‌وگو کنم. یکی از مأموران بدرقه، مرا راهنمایی کرد و به گوشه‌ای از حیاط اداره پلیس هدایت کرد که دو مرد میانسال و یک مرد جوان در حالی که هر سه دستبند به دست کنار میزی که مدارک و دستگاه‌های مربوط به کارشان بود، ایستاده بودند. افسر پرونده یکی از آنها را که از همه جوان‌تر بود معرفی کرد. گویا او نقشی اصلی را در این باند داشت.

چند سال داری؟ ۳۲ سال.

متأهلی؟ بله، سه فرزند دارم.

شغلت چه بود؟ در چاپخانه کار می‌کردم.

سابقه داری؟

بله. جعل و سرقت. ۱۸ ماه زندان بودم و دو ماهی بود که آزاد شده بودم.

روی میز چند سکه بود که وقتی در مورد آنها سؤال کردم پاسخ داد:

«با یک طلافروشی صحبت کرده‌بودیم و او قبول کرده بود تا آنها را با عیار پایین بسازد بعد آن سکه‌ها را با دو برابر قیمت به مشتری‌ها می‌فروختیم.»

از مهرها، برگه‌های سندی که روی میز است بگو. مربوط به کار شماست؟

در سطح شهر تهران و اطراف آن می‌گشتیم و پرس‌وجو می‌کردیم تا زمین‌های موروثی و آنهایی که مشکل داشتند را پیدا می‌کردیم. سپس یک درخواست برای گرفتن مشخصات آن می‌نوشتیم و بعد با زدن مهر جعلی آن را به ثبت احوال می‌فرستادیم. با گرفتن مشخصات، آنها را روی سندی که ساختگی بود، می‌نوشتیم.

زمین‌ها در تهران بود؟

بیشتر در تهران اما حوالی تهران و شهرستان هم چند مورد بود.

هولوگرام‌های نمایندگی سایپا و ایران خودرو را چکار می‌کردید؟

آنها را روی قطعات یدکی دست چندم خودروها می‌زدیم و بعد به قیمت قطعات نو می‌فروختیم.

این شناسنامه‌های کهنه و پاره برای چه هست؟

برای فروش زمین و... مشخصات درون آنها را پاک می‌کردیم و مشخصات افراد جدید را در آن ثبت می‌کردیم.

پول و تراول هم جعل می‌کردید؟

بله. برای خط ایمن اسکناس‌ها از بازار نوارهایی که برای کارت عروسی استفاده می‌شود را می‌خریدیم و از آنها به عنوان خط ایمن پول و تراول استفاده می‌کردیم.

دیگر چه مدارکی جعل می‌کردی؟

هر چه که فکر کنید. پایان خدمت، جواز کسب، مدارک تحصیلی و...

این جعل و خلاف‌هایی که انجام داده‌ای نشان می‌دهد باید تجربه زیادی داشته باشی یا یک راهنما داری، درسته؟

متهم بعد از کمی سکوت گفت: چند نفری بودند که آنها به خاطر بیان خوب و شگردی که داشتند با مشتری‌ها صحبت می‌کردند و آنها را به دام می‌انداختند ما فقط کارهایی که سپرده می‌شد را با دقت انجام می‌دادیم. آن باند دستگیر شد اما آنها خیلی وضع مالی خوبی دارند و یکی از آنها توانست با وثیقه یک میلیاردی آزاد شود.

چطور دستگیر شدی؟

از طریق منابع مخبر شناسایی شدیم و حین کار در حالیکه دستگاه‌ها روشن بود در خانه‌ام دستگیر شدم.

فریب زن صیغه‌ای‌ام را خوردم!

دیگر متهم مرد ۴۲ساله بود که به او می‌گفتند کش‌رو. شیوه سرقت او از طلافروشی‌ها مرا به سمت او در طرف دیگر حیاط کشاند تا با او گفت و گویی داشته باشم.

ازدواج کرده‌ای؟

بله. دو فرزند هم دارم که یکی از آنها بیماری روانی دارد.

سابقه هم داری؟

بله. برای سرقت که ۱۸ ماه در زندان بودم و دو ماهی بود که مرخصی گرفته‌بود.

چطور همسر صیغه‌ای‌ات، تو را اغفال می‌کرد؟

وقتی همسر اولم طلاق گرفت با زنی در خیابان آشنا شدم و با هم صیغه شدیم. او زیاده‌خواه بود و همه لباس‌ها و لوازمی که می‌خرید مارک‌دار بود. من هم مجبور شدم با سرقت از طلافروشی‌ها مخارج او را تأمین کنم.

او سؤال نمی‌کرد این پول‌ها را از کجا می‌آوری؟

نه، فقط به او پول می‌دادم و احتمال زیاد خبر داشت ولی به روی خودش نمی‌آورد.

خب از نحوه سرقتت بگو.

به طلافروشی‌ها می‌رفتم و به بهانه خرید سرویس و انگشتر برای همسرم، از صاحب مغازه می‌خواستم چند تا سرویس و چند قاب انگشتر بیاورد. وقتی مغازه‌دار حواسش پرت بود و موقعیت را مناسب می‌دیدم هر چه امکانش بود کش‌روی می‌کردم.

آنها را چه می‌کردی؟

به صاحب طلافروشی در ستارخان می‌فروختم آن هم نصف قیمت. او هم دستگیر شده و حالا در زندان است.

چند شاکی داری و چطور دستگیر شدی؟

۱۸ شاکی. یکی از شاکیان شکایت کرد و از طریق بازبینی دوربین‌های مدار بسته مغازه طلافروشی دستگیر شدم.

مغازه‌های کدام سمت از تهران را شکار می‌کردی؟

بیشتر شمال تهران و چند مورد هم در کرج بود.

موتورسوار شیطان‌صفت دستگیر شد

پسر شیطان صفت موتورسواری که پسر نوجوانی را به بهانه رساندن او به مقصد مورد آزار و اذیت قرار داده بود، دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مردی به اداره پلیس رفت و از پسر شیطان صفتی به اتهام آزار و اذیت پسر ۱۳ ساله‌اش شکایت کرد.

پسر نوجوان به مأموران گفت: همراه یکی از دوستانم در خیابان طیب حوالی میدان خراسان در حال رفتن به مسجد محل بودیم که دوست مشترکمان با دوچرخه به ما رسید. از آنجایی که دیرمان شده بود آنها با دوچرخه رفتند و من هم پیاده به راه افتادم تا اینکه دقایقی بعد پسر جوان موتورسواری به من نزدیک شد و از من خواست سوار موتورسیکلتش شوم تا مرا به مسجد محل برساند. من به او اعتماد کردم و سوار شدم که او مرا به بیابان‌های اطراف تهران برد و مرا آزار و اذیت کرد و ساعتی بعد هم مرا نزدیک میدان خراسان رها و خودش فرار کرد.

با طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی برای شناسایی و دستگیری پسر شیطان صفت وارد عمل شدند و مدتی بعد وی را شناسایی و دستگیر کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اقرار کرد و گفت: ۹ سال قبل از شهرستان برای کار به تهران آمدم و در صافکاری مشغول به کار شدم. روز حادثه در حال رفتن به محل کارم بودم که متوجه شدم پسر نوجوانی در حال دویدن است. فهمیدم او عجله دارد و از او خواستم سوار موتورسیکلتم شود تا او را به مقصدش برسانم. وقتی سوار موتورسیکلتم شد یک لحظه شیطان وسوسه‌ام کرد و این نقشه شیطانی را طراحی و اجرا کردم.

متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

خفه‌کنی برای سرقت‌های طلایی

مجرم سابقه داری که به شیوه خفه‌کنی طلای زنان را سرقت می‌کرد بار دیگر به دام پلیس افتاد.

به گزارش خبرنگار ما، ظهر ۲۱ اسفندسال گذشته بود که به مأموران پلیس پایتخت خبر دادند دو سارق موتورسوار در خیابان ملاصدرا در شمال تهران تلفن همراه و دستبند طلای زن جوانی را سرقت کرده و از محل گریخته‌اند. لحظاتی بعد از اعلام این خبر مأموران پلیس راهی محل شدند و دریافتند زن جوان در این حادثه از ناحیه دست زخمی شده و برای درمان به بیمارستان منتقل شده است. سپس مأموران پلیس به بیمارستان رفتند و از شاکی درباره حادثه تحقیق کردند.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: پسر خردسالم در آموزشگاه زبان انگلیسی در حوالی خیابان ملاصدرا درس می‌خواند. چند ساعت قبل او را به آموزشگاه بردم و به خانه برگشتم تا اینکه ظهر به طرف آموزشگاه رفتم تا او را پس از پایان کلاسش به خانه بیاورم. از آنجایی که خیابان ترافیک بود با پای پیاده به طرف آموزشگاه به راه افتادم تا اینکه در نزدیکی آموزشگاه متوجه شدم فردی پشت سرم در حال حرکت است که ناگهان دستی از پشت سر دهانم را گرفت. ابتدا فکر کردم دوستانم هستند و قصد شوخی دارند، اما دست فرد غریبه بوی سیگار می‌داد که معلوم بود دست مرد است و از طرف دیگر هم آنقدر دهانم را فشار داد که نفسم بند آمد و در حال خفه شدن بودم که فهمیدم مرد غریبه‌ای است که قصد سرقت گوشی‌ام را دارد. وقتی خواستم در مقابل او مقاومت کنم با چاقویی دستم را به شدت زخمی کرد و بعد هم چاقو را به پهلویم فشار داد و مرا تهدید به مرگ کرد. در حالی که نفسم بند آمده بود سارق گوشی تلفن همراه و دستبند طلایم که ۷میلیون تومان قیمت دارد از دستم بیرون آورد و مرا رها کرد. پس از این با داد و فریاد از رهگذران کمک خواستم اما سارق خشن، سوار موتورسیکلت همدستش شد و هر دو به سرعت فرار کردند تا اینکه دقایقی بعد اورژانس مرا به بیمارستان منتقل کرد.

با طرح این شکایت پرونده برای رسیدگی و شناسایی سارقان موتورسوار به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت در اختیار کارآگاهان پایگاه ۳ پلیس آگاهی قرار گرفت.

بدین ترتیب مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری سارقان آغاز کردند که با شکایت‌های مشابه‌ای روبه‌رو شدند که نشان می‌داد دو سارق موتورسوار به همان شیوه خفه‌کنی در مناطق مختلف از زنان جوان سرقت می‌کنند.

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد مأموران موفق شدند هویت یکی از سارقان را به نام فرمان با چهره‌نگاری شناسایی کنند. بررسی پرونده فرمان نشان می‌داد وی از متهمان سابقه‌داری است که مدتی قبل از زندان آزاد شده و پس از این به اتهام سرقت و زورگیری از سوی چند پایگاه آگاهی تحت تعقیب قرار دارد. با شناسایی سارق سابقه‌دار مأموران برای دستگیری وی به مخفیگاه او رفتند اما دریافتند سارق خشن مخفیگاهش را تغییر داده است.

چند روز همزمان با ادامه تلاش‌های مأموران برای دستگیری سارقان به کارآگاهان پلیس آگاهی خبر رسید فرمان هنگام سرقت از زن جوانی در خیابان نظام‌آباد از سوی رهگذران دستگیر شده است. زن جوان با شکایت از سارق خشن گفت: در حال رفتن به خانه‌ام در خیابان نظام‌آباد بودم که ناگهان مردی از پشت سر گلو و دهانم را گرفت. او چاقویی به پهلویم فشار داد و قصد داشت گردنبند طلا و گوشی‌ام همراه را سرقت کند که در مقابلش مقاومت کردم و از رهگذران کمک خواستم. پسر جوان ثانیه‌هایی بعد گردنبند طلایم را از گردنم کشید و پاره کرد و می‌خواست سوار موتورسیکلت همدستش شود که رهگذران او را دستگیر کردند اما همدستش فرار کرد. متهم هم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد و گفت: پنج‌ماه قبل از زندان آزاد شدم و همراه دو نفر از دوستانم تصمیم گرفتم به روش خفه‌کنی اموال قیمتی زنان را سرقت کنم. ما معمولاً دو نفری می‌رفتیم به سرقت و سرقت هم وظیفه من بود و در این مدت از ۱۰ زن سرقت کرده‌ام.

تحقیقات برای دستگیری همدستان سارق سابقه‌دار از سوی مأموران ادامه دارد.

کشف جسد مرد میانسال در پردیس

مأموران پلیس آگاهی جسد مردی که چند روز قبل در پارک هنرمندان تهران هنگام ورزش به طرز مرموزی ناپدید شده بود در شهرستان پردیس کشف کردند.

به گزارش خبرنگار ما، روز دوشنبه ۲۲ فروردین‌ماه امسال زنی سراسیمه به اداره پلیس رفت و گفت شوهر میانسالش به طرز مرموزی ناپدید شده است. شاکی گفت: خانه‌مان حوالی میدان هفت تیر است. شوهرم، محمد هر روز صبح برای ورزش صبحگاهی به پارک هنرمندان در خیابان ایرانشهر می‌رفت. امروز ساعت ۵ صبح مثل همیشه لباس‌های ورزشی‌اش را پوشید و از خانه خارج شد و به پارک هنرمندان رفت اما دیگر به خانه برنگشت. بررسی‌های مأموران نشان داد مرد ۵۶ ساله در کار خرید و فروش مواد شوینده است و صبح روز حادثه هم در پارک هنرمندان در حال ورزش دیده شده است. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران مبارزه با آدم‌ربایی پلیس آگاهی خبر رسید مأموران گشت پلیس شهرستان پردیس جسد مردی را با مشخصات مرد گم شده کشف کرده‌اند. بدین ترتیب مأموران راهی محل حادثه شدند و دریافتند جسد متعلق به محمد است که چند روز قبل از سوی خانواده‌اش اعلام مفقودی شده‌است.

تحقیقات درباره حادثه و چگونگی مرگ مرد گم‌شده در شهرستان پردیس از سوی مأموران ادامه دارد.